

## همسران پیامبر ﷺ، گزارش‌های مشترک و

### اختصاصی راجع به همسران پیامبر در قرآن<sup>۱</sup>

-----سید کاظم طباطبائی<sup>۲</sup> و سیدعلیرضا عالمی<sup>۳</sup>

همسران پیامبر زانی بودند که پیامبر ﷺ آنان را عقد کرده بود یا ایشان خود را به حضرت هبه کرده بودند (ر.ک: ادامه مقاله). نام هیچ‌یک از آنان در قرآن نیامده است. پیامبر ﷺ تا ۲۵ سالگی ازدواج نکرد و اولین همسر ایشان حضرت خدیجه رضی الله عنها بود که ۲۴ سال در کنار حضرت بود (ر.ک: ابن قتیبه دینوری، بی تا، ص ۱۳۳؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۸۱۸) و تا زنده بود، پیامبر ﷺ همسر دیگری اختیار نکرد (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۸۱۹).

تعداد آیات راجع به همسران پیامبر در قرآن درخور توجه است و بیشتر آنها در سوره احزاب آمده است. این آیات درباره موضوعاتی اند چون ام‌المؤمنین نامیدن همسران پیامبر (احزاب: ۶)، مخیرکردن آنان میان همسر پیامبر بودن یا جداشدن از آن حضرت و دریافت زینت‌های دنیوی (احزاب: ۲۸-۳۱)، بیان جایگاه و وظایف و مسئولیت همسران پیامبر (احزاب: ۳۲-۳۳، ۳۷-۳۸)، چگونگی تعامل مؤمنان با همسران پیامبر، اختصاصات پیامبر ﷺ در ازدواج، ممنوعیت ازدواج همسران پیامبر

---

۱. این مقاله در قالب طرح پژوهشی پژوهشکده دانشنامه‌نگاری پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی تدوین شده و کلیه حقوق آن متعلق به پژوهشکده دانشنامه‌نگاری می‌باشد. انتشار این مقاله در چارچوب همکاری مشترک میان مجله قرآن پژوهی و پژوهشکده دانشنامه‌نگاری پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی صورت گرفته است.

۲. دانشیار گروه نهج البلاغه دانشگاه قرآن و حدیث قم؛ (tabakazem@gmail.com).

۳. استادیار و عضو شورای علمی گروه تمدن پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و عضو شورای علمی گروه فرهنگ پژوهی؛ (Alemi.sar@gmail.com).

پس از آن حضرت (احزاب: ۵۰-۵۱، ۵۳)، آزار و اذیت پیامبر ﷺ از سوی برخی از همسران ایشان و تویخ آنان (ر.ک: تحریم: ۱-۵)، و تهمت به یکی از همسران پیامبر (ر.ک: نور: ۱۱-۲۰). مفسران، مباحث راجع به همسران پیامبر را ذیل آیات مرتبط آورده‌اند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۱، ص ۱۰۰؛ ر.ک: ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۸، ص ۳۱-۳۵). به بحث تعدد همسران پیامبر بیشتر توجه شده و از میان مفسران، رشیدرضا در تفسیر المنار (۴، ص ۳۵۱) و علامه طباطبائی در المیزان (۴، ص ۱۹۵) به این موضوع بیشتر پرداخته‌اند.

در منابع تاریخی و سیره نیز به این موضوع توجه شده است. ابن اسحاق (م. ۱۵۱ق)، یکی از اولین سیره‌نگاران، بخشی از کتاب خود را به همسران پیامبر اختصاص داده (ر.ک: ۱۴۱۰، ص ۲۴۵، ۲۵۴-۲۶۹) و ابن هشام گزارش‌های او را با توضیحاتی بازگو کرده است (ر.ک: بی‌تا، ج ۲، ص ۶۴۳-۶۴۹). ابن سعد در الطبقات الكبرى قسمت در خورتوجهی از حجم کتاب النساء را به همسران پیامبر اختصاص داده است (ر.ک: ج ۸، ص ۴۲-۱۱۱). ابن حیب بغدادی بخش همسران پیامبر را در دو قسمت آورده است: همسران پیامبر در مکه و همسران پیامبر در مدینه (ر.ک: ۷۷-۹۹). در دوره معاصر، برخی آثار سیره و تاریخ نیز به این موضوع پرداخته‌اند، از جمله الصحيح من سيرة النبي الاعظم، اثر سید جعفر مرتضی عاملی (ر.ک: ج ۳، ص ۲۸۴-۳۰۰)؛ و موسوعة التاريخ الاسلامی، اثر محمد هادی یوسفی غروی (ج ۲، ص ۵۳۵، ۵۴۹).

شرح حال نویسانی چون ابن عبدالبر در الاستیعاب (ر.ک: ج ۴، ص ۱۸۱۷)، ابن اثیر جزری در أسد الغابة (ج ۶، ص ۷۸) و ابن حجر عسقلانی در الاصابة (ر.ک: ج ۸، ص ۹۹)، در بخش شرح حال زنان، شرح حال همسران پیامبر را به ترتیب حروف الفبا (نه در بخش جداگانه) آورده‌اند.

از اولین تک‌نگاری‌ها در این باره، السَّمطُ الثَّمین فی مناقب امهات المؤمنین، نوشته احمد بن عبدالله طبری (م. ۶۹۴ق) است در دوازده فصل (ر.ک: ص ۵-۱۱۹). پس از او، دمیاطی (م. ۷۰۵ق) نساء رسول الله را در چهار باب تألیف کرد (ر.ک: ص ۲۷-۱۴۶). در دوره معاصر نیز تک‌نگاری‌های بسیاری درباره همسران پیامبر تألیف شده که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: نساء النبی، عایشه بنت الشاطی؛ سلسله امهات المؤمنین، سمیه عبدالحلیم؛ نساء فی ظل رسول الله، عرفان عشاء حسونه دمشقی؛ نساء النبی، محمد متولی شعراوی؛ زوجات النبی، سعید ایوب؛ و یک جلد از

موسوعة الرسول المصطفى، نوشته محمدرضا انصاری، که به همسران پیامبر اختصاص یافته است. خاورشناسان نیز به موضوع همسران پیامبر توجه کرده‌اند. بخشی از دیدگاه آنان در کتاب تصویر خانواده پیامبر در دائرةالمعارف اسلام زیر نظر محمود تقی‌زاده داوری، گردآوری و نقد شده است. درباره برخی از همسران پیامبر از دیرباز مطالبی گزارش شده است، از جمله شیخ مفید رساله‌ای به نام «رسالة حول خبر ماریة» دارد و از عالمان معاصر، علامه عسکری نقش عایشه در تاریخ اسلام و احادیث را بررسی کرده است. پژوهشگران به برخی مباحث مرتبط، مانند ماجرای افک، نیز پرداخته‌اند (← مقاله افک). در دائرةالمعارف قرآن لایدن مقاله «همسران پیامبر ﷺ» (see: Stowasser, Wives of the Prophet, vol5, pp506-521) و مقالاتی درباره برخی همسران پیامبر تألیف شده است، مانند «خدیجه ﷺ» (see: Stowasser, Khadīja, vol3, ) (pp80-81)، «عایشه» (see: Spellberg, vol1, pp55-60) و «حفصه» (see: Rubin, ) (vol2, pp397-398). در دائرةالمعارف قرآن راتلج نیز مقاله «امهات المؤمنین» (see: Ali, ) (pp673-674) و «عایشه» (see: Leaman, pp21-26) به چاپ رسیده است.

### تعداد همسران پیامبر ﷺ

درباره تعداد همسران پیامبر اکرم ﷺ، در منابع اولیه سیره و تاریخ، اختلاف نظرهای اندکی دیده می‌شود. ابن اسحاق، از اولین سیره‌نگاران مسلمان، همسران پیامبر را در طول زندگی حضرت به این ترتیب نام برده است: خدیجه بنت خُوَیَلِد، سوده بنت زَمْعَه، عایشه بنت ابی بکر، حفصه بنت عمر، زینب بنت خُرَیْمَه، ام حبیبه (رمله بنت ابی سفیان)، ام سلمه (هند بنت ابی امیه)، زینب بنت جَحْش، جُوَیْرِیَه بنت حارث، صفیه بنت حُیّی بن أَخْطَب، میمونیه بنت حارث، اسماء بنت کعب و زنی از بنی غفار (ر.ک: ۱۴۱۰، ص ۲۴۵، ۲۵۵-۲۶۶)، سیزده تن اند و ابن هشام هم همین عدد را پذیرفته است (بی‌تا، ج ۲، ص ۶۴۳). ابن سعد در الطبقات الکبری، ریحانه بنت زید را بر آنها افزوده است (ر.ک: ج ۸، ص ۱۰۲). ابن بَکَّار تعداد ایشان را دوازده تن دانسته است که در دو مورد با ابن اسحاق اختلاف نظر دارد. وی ماریه قبطیه و ریحانه را جزو همسران پیامبر به شمار آورده و از صفیه بنت حبی بن اخطب نام نبرده است (ر.ک: ۱۴۱۰، ص ۲۳-۵۵). ابن حبیب بغدادی در الْمُحَبَّر، از غَزِیَّه بنت دُودان بن عَوف نام برده که پیامبر ﷺ در مکه با او

ازدواج کرده و سپس او را طلاق داده است (ص ۸۲-۸۱). در سده‌های بعد، ذهبی در سیر اعلام النبلاء، با توجه به اختلاف روایات، از پانزده، شانزده و هجده همسر پیامبر و ترتیب ازدواج با آنها یاد کرده است (ج ۲، ص ۲۵۴). احمد بن عبدالله طبری یازده همسر برای حضرت برشمرده است که شش تن آنها را از قریش، چهار تن را از دیگر قبایل عرب و یک تن را از بنی اسرائیل دانسته است (بی تا، السمط الثمین، ص ۵-۶). به جز خدیجه رضی الله عنها و ماریه قبطیه، همسران دیگر پیامبر از حضرت فرزند نداشتند (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۰۷؛ یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۸۴-۸۵).

### اختصاصات پیامبر صلی الله علیه و آله در ازدواج

در فقه به احکام مخصوص پیامبر صلی الله علیه و آله، خصائص النبی گفته می‌شود (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۲۱۵؛ نجفی، ۱۳۶۶، ج ۲۹، ص ۱۱۹)، که شامل وجوب نماز شب (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۲۱۵) و برخی امور دیگر است (علامه حلی، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۴۱۷). برخی از این احکام درباره همسران پیامبر است، که عبارت‌اند از: محدود نبودن پیامبر صلی الله علیه و آله به چهار همسر (نجفی، ۱۳۶۶، ج ۲۹، ص ۱۱۹)، لازم نبودن رعایت تساوی در برخورد با همسران، و جواز زنان برای هبه خود به پیامبر صلی الله علیه و آله (زحیلی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۲۰۷۹).

۱. هبه نفس بدون مهر: یکی از ویژگی‌های پیامبر صلی الله علیه و آله، که در آیه ۵۰ سوره احزاب به آن تصریح شده، این است که زن مؤمن در صورتی که پیامبر صلی الله علیه و آله بپذیرد، می‌تواند خود را به آن حضرت هبه کند «وَ امْرَأَةٌ مُؤْمِنَةٌ اِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ اِنْ اَرَادَ النَّبِيُّ اَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُوْنِ الْمُؤْمِنِيْنَ» و در این صورت، مهریه به او تعلق نمی‌گیرد (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۲، ص ۱۶؛ ابن العربی، بی تا، ج ۳، ص ۱۵۵۹). با وجود این حکم اختصاصی، برخی مفسران بر آن‌اند که هیچ‌یک از همسران پیامبر، خود را به ایشان هبه نکردند، گرچه برخی مفسران از زنانی نام برده‌اند که خود را به پیامبر هبه کردند، مانند میمون بن حارث، زینب بنت خزیمه انصاری، ام‌شریک بنت جابر، و خوله بنت حکیم (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۲، ص ۱۶-۱۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۷۱؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹، ج ۶، ص ۳۹۳). به عقیده فقها (علامه حلی، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۴۱۸؛ نجفی، ۱۳۶۶، ج ۲۹، ص ۱۲۱) و مفسران (جصاص، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۲۳۷؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۶، ص ۶)، ازدواج با لفظ هبه مختص پیامبر صلی الله علیه و آله است و برای دیگران چنین عقدی صحیح نیست.

۲. جواز مقدم داشتن برخی از همسران: بر اساس آیه ۵۱ سوره احزاب «تُرْجِي مَنْ تَشَاءُ مِنْهُنَّ وَ تُؤَيِّ إِلَيْكَ مَنْ تَشَاءُ وَ مَنْ ابْتَغَيْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ»، پیامبر اکرم ﷺ ملزم به رعایت تساوی بین همسران خود نبود و جایز بود زمان بیشتری با یکی از همسرانش باشد یا از برخی کناره گیرد یا آنچه را برای برخی می‌خواهد، برای دیگری نخواهد (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۳۲۶-۳۲۷). دلیل این امر مسئولیت‌های حضرت و درگیری ایشان با مسائل و حوادث حکومتی و سیاسی بود، زیرا برداشتن این وظیفه باعث می‌شد دل مشغولی پیامبر ﷺ کاهش یابد و آرامش بیشتری در زندگی ایشان حاکم شود، هر چند حضرت تا حد امکان، مساوات را رعایت می‌کرد (طوسی، بی تا، ج ۸، ص ۳۵۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۷۳-۵۷۴؛ قطب راوندی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۴۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۳۸۵).

۳. تعدد همسران پیامبر ﷺ: بر اساس آیه سوم سوره نساء، مردان محدود به ازدواج با چهار زن بودند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۵۶؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۲۴۰-۲۴۱)، ولی بنا بر آیه ۵۰ سوره احزاب، پیامبر اکرم ﷺ مشمول این محدودیت نمی‌شد (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۷۱؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۱۸۴)؛ از این رو، پس از فرود آمدن آیه سوم سوره نساء، کسانی که بیش از چهار همسر داشتند زنان خود را طلاق دادند، ولی پیامبر ﷺ مأمور به این کار نبود (ر.ک: قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۵، ص ۱۷؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۱۸۴). مفسران ذیل آیه ۳۸ سوره احزاب «مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ»، به تعدد همسران پیامبر ﷺ اشاره کرده و تعدد زوجات را سنت پیامبران دانسته‌اند (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۸، ص ۴۹؛ طوسی، بی تا، ج ۸، ص ۳۴۵؛ میدی، ۱۳۷۱، ج ۸، ص ۵۱؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۳۲۱).

مستشرقان به موضوع تعدد همسران پیامبر توجه بسیار کرده و برخی بر آن خرده گرفته‌اند (لوبون، ۱۳۳۴، ص ۱۳۰). برخی منابع غربی، میل جنسی را عامل مهمی در ازدواج‌های پیامبر ﷺ پنداشته‌اند (Ali, 2006, pp673). برخی پژوهشگران معاصر، مانند محمد حسنین هیکل، به تحلیل این امر پرداخته و ادعای مستشرقان را نقد کرده‌اند (بی تا، ص ۲۰۳). به باور محققان، هدف پیامبر ﷺ از تعدد همسران، تبلیغ و گسترش اسلام بوده است (ر.ک: عاملی، ۱۴۲۶، ج ۵، ص ۲۵۵-۲۵۶).

فضای فرهنگی و اجتماعی جامعه عرب در آن دوره، چندهمسری را نیکو می‌شمرد و معمولاً

مردان بیش از يك همسر داشتند، چنان‌که ابوسفیان، دشمن دیرینه پیامبر ﷺ، پس از شنیدن خبر ازدواج آن حضرت با دخترش ام‌حبیبه، آن را نیکو شمرد (ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۷۹؛ حاکم نیشابوری، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۲).

نداشتن انگیزه جنسی در این باره مهم است. برای کسی که در ۲۵ سالگی و اوج جوانی با زنی بزرگتر از خودش ازدواج، و سال‌های جوانی خود را با او سپری کرده و بعدها، در سنین بالا، ازدواج‌های متعدد کرده، انگیزه جنسی نمی‌تواند دخیل باشد، به ویژه آنکه ازدواج متعدد در آن دوره منعی نداشت و حتی پسندیده بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۳۸۲). بنابراین، وجود انگیزه‌های جنسی در ازدواج‌های پیامبر ﷺ پذیرفته نیست (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۱۹۵)، بلکه پیوندهای اجتماعی در جامعه قبیله‌ای عرب اهمیت بسیار داشت و ازدواج با زنانی از قبایل مختلف، می‌توانست میان پیامبر ﷺ و آن قبایل پیوند ایجاد کند یا پیوندها را مستحکم نماید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۳۸۲).

ملاحظات انسانی و سرپرستی زنان بیوه و تنها، که پناهگاه اجتماعی نداشتند، از دیگر دلایل این ازدواج‌ها بود که فرهنگ این کار را در جامعه اسلامی برای دیگر مسلمانان ایجاد می‌کرد؛ مانند ازدواج با سوده که زنی سالمند و بی‌سرپرست بود، ازدواج با ام‌سلمه که شوهرش شهید شده بود و چند فرزند یتیم داشت (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۱۹۶-۱۹۷)، و ازدواج با حفصه که پس از مرگ شوهرش کسی حاضر نبود با او ازدواج کند (ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۶۵).

در برخی موارد، این ازدواج‌ها برای تبیین حکم الهی بود، چنان‌که ازدواج با زینب‌بنت‌جحش، که پیشتر همسر زیدبن‌حارثه (پسرخوانده پیامبر ﷺ) بود، برای تبیین این حکم بود که پسرخوانده مانند پسر نیست و احکام او را ندارد (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۱۹۶؛ ← مقاله زیدبن‌حارثه).

### ویژگی‌های مشترک همسران پیامبر

همسران پیامبر افزون بر داشتن تکالیف مشترک با دیگر زنان مسلمان، ویژگی‌ها و تکالیف اخلاقی و فقهی خاصی نیز داشتند، چنان‌که در آیه ۳۲ سوره احزاب به آنها یادآوری شده است که در برخی حقوق و تکالیف مانند دیگر زنان نیستند «یا نساء النبی کستن کأحد من النساء» (احزاب: ۳۲). در قرآن به چند ویژگی مشترک همسران پیامبر اشاره شده است:

۱. ام المؤمنین بودن: در آیه ۶ سوره احزاب، خداوند به مؤمنان تذکر می‌دهد که پیامبر ﷺ به آنان از خودشان سزاوارتر است و همسران پیامبر، مادران مؤمنان‌اند «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ». مفسران واژه مادر را به معنای مادر واقعی، که در اسلام احکامی بر آن مترتب است، ندانسته‌اند (ر.ک: مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۳، ص ۴۷۴؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۱، ص ۷۷). به باور مفسران شیعه (طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۳۱۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۳۰؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۲۷۷) و اهل سنت (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۱، ص ۷۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۵۲۳؛ فخر رازی، ۱۴۱۳، ج ۲۵، ص ۱۵۷)، حداکثر دو ویژگی از تعبیر «امهات المؤمنین» فهمیده می‌شود: احترام و تعظیم، و حرمت ازدواج با آنان. ام‌المؤمنین بودن مقام و جایگاهی بود که خداوند نصیب همسران پیامبر کرد و مسئولیت سنگینی برای آنان داشت، زیرا باید الگوی زنان باایمان می‌بودند و چون در خانه پیامبر ﷺ بودند، از نظر تأثیر بر جامعه اسلامی موقعیت حساس‌تری داشتند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۲۸۲-۲۸۳، ۲۸۸) و همین مسئولیتشان را دو برابر می‌کرد، چنان‌که به فرموده خداوند، گناهان آنان مستحق عذاب دو برابر است «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ» (احزاب: ۳۰؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۱، ص ۱۰۱؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۳۱۲).

چون ممکن بود ازدواج با همسران پیامبر سبب سوءاستفاده‌ها و توطئه‌هایی شود و برخی برای کسب موقعیت اجتماعی یا مقاصد سیاسی و اهداف دنیوی بخواهند با آنان ازدواج کنند، خداوند ازدواج با آنان را بر همگان ممنوع کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۴۰۴-۴۰۵). چنان‌که در آیه ۵۳ سوره احزاب بر این امر تأکید شده «وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَٰلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا» و تخلف از آن گناهی عظیم خوانده شده است (ابن‌العربی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۵۷۹-۱۵۸۰؛ حسینی جرجانی، ۲، ص ۳۹۲-۳۹۳). درباره اینکه آیا این ویژگی شامل زنان مطلقه حضرت نیز می‌گردد یا خیر، اختلاف نظر وجود دارد (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹، ج ۶، ص ۴۰۳). برخی با توجه به عموم واژه «مِنْ بَعْدِهِ»، آن را شامل همه همسران پیامبر دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۷۷؛ حسینی جرجانی، ۲، ص ۳۹۲-۳۹۳).

بر اساس برخی گزارش‌های تفسیری، با آنکه در آیه ششم سوره احزاب همسران پیامبر مادران

مؤمنان معرفی گردیده‌اند، در آیه ۵۳ سوره احزاب نیز خداوند به جایز نبودن ازدواج با آنان تصریح و بر این حکم تأکید کرده است، زیرا پس از نزول آیه ششم سوره احزاب و حرام شدن همسران پیامبر بر مسلمانان، طلحه غضبناک شد و گفت محمد زناش را بر ما حرام می‌کند، اما با زنان ما ازدواج می‌کند؛ اگر او بمیرد، ما با همسرانش ازدواج می‌کنیم. پس از این سخن، آیه ۵۳ سوره احزاب نازل شد (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۹۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۲۱۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۹۹). برخی از مفسران از بردن نام گوینده این سخن خودداری کرده‌اند (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۲، ص ۲۹).

۲. ساده‌زیستی: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نمونه تمام‌عیار خصلت‌های نیک بود و از جمله خصلت‌های پسندیده ایشان، ساده‌زیستی و زهد و بی‌رغبتی به دنیا بود (شریف‌رضی، خطبه ۱۰۹، ص ۲۱۴-۲۱۵). یکی از ویژگی‌های مشترک همسران پیامبر نیز التزام به ساده‌زیستی بود. بنا بر گزارش‌های تاریخی، خانه‌های همسران پیامبر اتافی بسیار ساده و بدون تزیین بوده است (ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۸۷). در آیه ۲۸ سوره احزاب، پیامبر صلی الله علیه و آله مأمور می‌شود به همسرانش بگوید که اگر خواهان زینت و زندگی دنیا هستند، با گرفتن هدیه‌ای از آن حضرت به نیکویی جدا شوند «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزَوِّجَكُ إِن كُنتُمْ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا». این آیه که به روشنی بر لزوم ساده‌زیستی همسران پیامبر تأکید می‌کند، زمانی نازل شد که غنایم بسیاری در جنگ خیبر در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفت و همسران حضرت از این اموال درخواست می‌کردند (ر.ک: قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۹۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۸۵؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۴۴۰)؛ البته به گزارش طبری، برخی از همسران پیامبر این درخواست را مطرح کردند (۱۴۱۲، ج ۲۱، ص ۹۹). پیامبر صلی الله علیه و آله یک ماه از همه همسرانش کناره‌گرفت تا نارضایتی خود را نشان دهد و بر لزوم ساده‌زیستی آنان تأکید ورزد (ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹، ج ۹، ص ۳۱۲۷؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۴۱۰). پس از گذشت یک ماه، خداوند با نزول این آیه همسران پیامبر را میان ساده‌زیستی در زندگی با پیامبر صلی الله علیه و آله و بهره‌مندی از متاع دنیا و رهایی محترمانه، مخیر کرد. بر اساس پاره‌ای روایات، برخی از همسران پیامبر اعتراض خود را بسیار تند مطرح کردند و مدعی بودند در صورت جدایی از آن حضرت، افرادی از قبیله خودشان حاضر به ازدواج با آنان هستند؛ از این رو، پیامبر صلی الله علیه و آله به فرمان

خدا مأمور شد با قاطعیت تمام با این موضوع برخورد کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۲۸۰). مفسران شیعه معتقدند این گونه تخییر، که جانشین طلاق است، از اختصاصات پیامبر ﷺ بوده است و برای دیگران چنین تخییری جایز نیست و آنان باید با مراعات شرایط، زنان خود را طلاق دهند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۵۵؛ کاشانی، زبدة التفاسیر، ۵، ص ۳۶۷؛ حویزی، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۲۶۷). فقهای شیعه نیز بر این مطلب تأکید کرده و آن را مختص پیامبر ﷺ دانسته‌اند (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۱۳۶-۱۳۸؛ طوسی، ۱۳۶۴، ج ۸، ص ۸۸؛ نجفی، ۱۳۶۶، ج ۲۹، ص ۱۲۴)، اما اهل سنت عمدتاً آن را به دیگر زنان نیز سرایت می‌دهند، گرچه در اینکه تخییر به منزله طلاق است یا نه اختلاف نظر دارند (ر.ک: ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۸، ص ۳۳؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۴، ص ۱۶۴-۱۶۵؛ فاضل مقداد، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۳۸).

۳. در خانه ماندن و تبرج نکردن: یکی دیگر از ویژگی‌های همسران پیامبر، که در آیه ۳۳ سوره احزاب از آن یاد شده، ماندن در خانه و ترک تبرج است «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» (احزاب: ۳۳). این دستور به معنای التزام به خارج نشدن از منزل جز به ضرورت است (ابن‌العربی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۵۳۵؛ ر.ک: ابن‌کثیر، ۱۴۱۹، ج ۶، ص ۳۶۳). مصادیق تبرج نیز خودنمایی در راه رفتن (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۲، ص ۴؛ بغوی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۶۳۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۵۸)، ابراز محاسن (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۸، ص ۳۵؛ بغدادی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۴۲۵) و آشکارکردن زینت (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۴۱۵؛ فخر رازی، ۱۴۱۳، ج ۲۵، ص ۱۶۷) عنوان شده است. به باور برخی، تبرج آن است که زن روسری را بدون آنکه ببندد، بر سرش اندازد و گلوبند و گوشواره‌اش دیده شود (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۳، ص ۴۸۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۵۸؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹، ج ۶، ص ۳۶۴)؛ البته نهی از تبرج برای همه زنان است و مخاطب قرارداد همسران پیامبر برای تأکید است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۲۹۰).

شیعیان با تمسک به این آیه معتقدند عایشه به این فرمان الهی پایبند نماند و از دستور قرآن سرپیچی کرد و بر امیر مؤمنان علی رضی الله عنه، که حاکم اسلامی بود، خروج کرد و جنگ جمل را به راه انداخت (اسکافی، ۱۴۰۲، ج ۲۶؛ بی‌تا، ج ۱۵۵؛ ابن‌طاووس، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۲۹۳). برخی از مفسران اهل سنت، با اشاره به دیدگاه شیعیان، مدعی‌اند عایشه خروج نکرد، بلکه برای جلوگیری از

فتنه و برای اصلاح قدم برداشت (ابن‌العربی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۵۳۵-۱۵۳۶)، در حالی که عایشه در سال‌های پایانی عمرش، هرگاه این آیه را می‌خواند، از پشیمانی آن‌قدر می‌گریست که پوشش او خیس می‌شد (ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۶۴؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۹۶). ام‌سلمه، همسر دیگر پیامبر ﷺ، نیز به ادعای اصلاح‌طلبی عایشه پاسخ داد و گفت او منتقد و دشمن عثمان بود که اینک مدافع خون او و باعث اختلاف در امت اسلامی شده است (ابن‌اعثم کوفی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۴۵۴).

۴. پاداش و کیفر دوچندان: قرآن به همسران پیامبر هشدار داده است که کارهای زشت آنان عذاب دو برابر دارد «یا نساء النبی من یأت منکَنّ بفاحشة مبینة یضاعف لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَینِ» (احزاب: ۳۰) و به کار خوب آنان نیز دو بار پاداش داده می‌شود «وَمَنْ یَقْنُتْ مِنْکَنّ لَیْلِهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتْهَا أَجْرَهَا مَرَّتَینِ» (احزاب: ۳۱). برخی معتقدند خداوند همسران پیامبران را از فحشا محافظت می‌کند (فخر رازی، ۱۴۱۳، ج ۲۵، ص ۱۶۶)؛ از این رو، منظور از «فاحشة مبینة» سوء خلق و نشوز است (بغدادی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۴۲۴). برخی مراد از آن را «خروج بالسیف» (ر.ک: قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۹۳) یا نافرمانی از پیامبر ﷺ (ر.ک: مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۳، ص ۴۸۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۱، ص ۱۸۰) یا گناه آشکار در منظر مردم دانسته‌اند (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۳۱۲؛ ثعالبی، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۳۴۵)، زیرا با چنین گناهی حرمت پیامبر ﷺ نیز شکسته می‌شود، پس سزاوار عذاب دوچندان می‌شوند (ابن‌شهر آشوب، متشابه القرآن، ۲، ص ۱۱۶).

مفسران دلایلی برای دوچندان‌بودن کیفر و پاداش ذکر کرده‌اند، مانند همسری پیامبر ﷺ و رعایت شأن آن حضرت (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۴، ص ۱۷۴؛ شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۳۱۸)، اسوه‌بودن برای مسلمانان (طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۳۳۴-۳۳۵) و نزول وحی در منازل ایشان (جصاص، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۲۲۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۵۵؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۴، ص ۱۷۴). برخی استوارتر بودن حجت بر همسران پیامبر نسبت به دیگران (ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹، ج ۹، ص ۳۱۲۹) و شرف و علو درجه آنان را علت این امر دانسته‌اند (شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۳۱۸). برخی دیگر، با توجه به جایگاه پیامبر ﷺ، منزلت همسران حضرت را نسبت به دیگر زنان، مانند نسبت زن آزاد با کنیز دانسته‌اند که عذاب زنان آزاد دو برابر کنیزان است (فخر رازی، ۱۴۱۳، ج ۲۵، ص ۱۶۶؛ بغدادی، ۳، ص ۴۲۴).

## همسران پیامبر و آیه تطهیر

یکی از موضوعاتی که ذیل آیه تطهیر «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (احزاب: ۳۳) مطرح گردیده، آن است که این آیه شامل همسران پیامبر می‌شود و برخی از مفسران اهل سنت آن را تأیید کرده‌اند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۲، ص ۷؛ فخر رازی، ۱۴۱۳، ج ۲۵، ص ۱۶۸)، اما مفسران شیعه (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۸۷؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۴۷۰؛ ر.ک: حویزی، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۲۷۰-۲۷۷) و بسیاری از علمای اهل سنت همسران پیامبر را از دایره اهل بیت در آیه خارج دانسته و اهل بیت را پنج تن معرفی کرده‌اند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۲، ص ۵؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۹، ص ۳۱۳۱؛ ر.ک: حاکم حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۱۸-۱۳۹). شماری از عالمان اهل سنت اختصاص آیه به خمسۀ طیبه عليها السلام را نظر جمهور عالمان اهل سنت دانسته‌اند (ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۳۸۴؛ ثعالبی، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۳۴۶؛ ر.ک: هیتمی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۴۲).

تاریخ گواه است که هیچ‌یک از همسران پیامبر، حتی یک بار، چنین فضیلتی را برای خود یادآور نشدند، بلکه از آنان نقل شده که آیه تطهیر در حق خمسۀ طیبه نازل شده است (احمد بن حنبل، بی تا، ج ۶، ص ۲۹۲، ۲۹۸، ۳۰۴؛ مسلم نیشابوری، بی تا، ج ۷، ص ۱۳۰؛ حاکم حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۵۳، ۵۸، ۶۲). علاوه بر همسران پیامبر، بسیاری از بزرگان صحابۀ پیامبر، در روایات متواتری که از آنان نقل شده است، تصریح کرده‌اند که آیه تطهیر درباره خمسۀ طیبه عليها السلام نازل شده است (ترمذی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۳۰-۳۱، ۳۲۸؛ ر.ک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۲، ص ۵-۷؛ بیهقی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۱۵۰-۱۵۲). حدیث صحیح صحابی پیامبر صلى الله عليه وآله، ابوسعید خدری، که نزول آیه را مخصوص خمسۀ طیبه عليها السلام دانسته، از شهرت و صراحت بیشتری برخوردار است (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۹، ص ۳۱۳۲؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۴۶۲). طبری هفده مورد از این روایات را گزارش کرده است (ر.ک: ۱۴۱۲، ج ۲۲، ص ۵-۷).

## گزارش‌های فردی همسران پیامبر

قرآن کریم در سه آیه به سه نکته راجع به همسران پیامبر اشاره کرده: نکوهش برخی از همسران

پیامبر، چگونگی ازدواج پیامبر ﷺ با یکی از همسران، و ماجرای افک (ر.ک: ادامه مقاله).

۱. نکوهش عایشه و حفصه در برخی آیات: ابن حجر عسقلانی عملکرد عایشه، حفصه، سوده و صفیه را همسو و آنان را همفکر دانسته است، در حالی که بقیه همسران پیامبر با ام سلمه و زینب بنت جحش همفکر بودند؛ امری که عایشه به آن اذعان کرده است (فتح الباری، بی تا، ج ۹، ص ۳۲۹). برخی عایشه و حفصه را «ید واحد» خوانده‌اند (واقدي، ۲، ص ۷۰۸؛ ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۷۵) که نشان‌دهنده موضع مشترک آن دو در برابر دیگر همسران پیامبر ﷺ، به ویژه ام سلمه، بوده است (ر.ک: ابن راهویه، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۸). برخی از علمای متقدم آنان را، به سبب موضع‌گیری‌هایشان، دو حزب دانسته‌اند (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۳، ص ۱۳۲؛ ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۴۳). پیامبر ﷺ گاه برای خشنودی همسرانش، زحمت‌ها، خشونت‌ها و بدرفتاری‌های آنان را تحمل می‌کرد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۴۷۲).

الف) در آیه اول سوره تحریم به پیامبر ﷺ خطاب شده که چرا چیزی را که خداوند بر تو حلال کرده است، برای جلب رضایت همسرانت بر خود حرام می‌کنی؟ «یا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ». به گفته شوکانی، بیشتر مفسران معتقدند این آیه درباره حفصه، دختر عمر بن خطاب، نازل شده است (۱۴۱۴، ج ۵، ص ۲۹۷). درباره شأن نزول این آیه، دو دیدگاه وجود دارد: نخست آنکه پیامبر ﷺ در نبود حفصه، در روزی که مخصوص او بود (برخی گفته‌اند در روز عایشه بود، اما حفصه از این امر باخبر شد (فراء، بی تا، ج ۳، ص ۱۶۵؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۸، ص ۱۰۱؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۲۲۴))، با کنیز خود ماریه قبطیه خلوت کرد. وقتی حفصه باخبر شد، پیامبر ﷺ برای جلب رضایت او ماریه را بر خود حرام کرد و از حفصه خواست این موضوع را برای دیگران بازگو نکند (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۷۵-۳۷۶).

بر اساس شأن نزول دوم، هرگاه پیامبر ﷺ نزد زینب بنت جحش می‌رفت، وی از حضرت با شربت عسل پذیرایی می‌کرد. عایشه و حفصه وقتی باخبر شدند، برای اینکه حضرت نزد زینب نماند، با همدستی یکدیگر به پیامبر ﷺ گفتند که دهانت بوی مغفیر (صمغی شیرین و بدبو از نوعی درخت افاقیا) می‌دهد و وانمود کردند زنبور عسل از صمغ این درخت تغذیه کرده و عسل چنین بویی دارد (صنعانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۴۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۴۷۱-۴۷۲؛ آلوسی،

۱۴۱۵، ج ۱۴، ص ۳۴۲). پیامبر ﷺ برای جلب رضایت آنان، خوردن غسل را بر خود حرام کرد (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۳۱۶). این شأن نزول در منابع معتبر اهل سنت آمده است (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۶، ص ۶۸؛ مسلم نیشابوری، بی تا، ج ۴، ص ۱۸۴-۱۸۵).

به باور برخی از مفسران، ماجرای شربت غسل در منابع صحیح آمده، اما ماجرای ماریه نیامده است، در حالی که ماجرای ماریه با محتوای آیه همخوانی بیشتری دارد (ابن العربی، بی تا، ج ۴، ص ۱۸۴۵). جصاص نیز ماجرای ماریه را به واقع نزدیک تر (۱۴۰۵، ج ۵، ص ۳۶۲) و ابن عطیه آن را صحیح تر و واضح تر دانسته است (زحیلی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۲۶۸۸). برخی نیز هر دو گزارش را محتمل دانسته اند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۸، ص ۱۰۲).

ب) خداوند در آیه سوم همین سوره خبر داده که برخی از همسران پیامبر ﷺ، رازی از او برملا کردند «وَ إِذْ أَسْرَ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ». به گفته مفسران، افشاکنده این راز حفصه بود (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۸، ص ۱۰۳؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۹، ص ۳۴۵؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۳۳۱) و برخی نیز از عایشه نام برده اند (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۹، ص ۲۹۲). راز افشاشده نیز یا آن بوده که پیامبر ماریه قبطیه را بر خود حرام کرده یا خبر از به حکومت رسیدن ابوبکر و عمر پس از پیامبر ﷺ بوده است (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۳۷۶؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۳۱۶؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۹، ص ۱۸۷؛ شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۳۰۱). در آیه چهارم این سوره، خداوند به آن دو، که دل هایشان از حق منحرف گشته و دسیسه کرده بودند، توصیه می کند که توبه کنند و تأکید می کند اگر باز علیه پیامبر ﷺ اقدام کنند، خداوند و فرشتگان او را یاری می نمایند «إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَ جِبْرِيلُ وَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ» (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۸، ص ۱۰۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۴۷۵؛ فخر رازی، ۱۴۱۳، ج ۳۰، ص ۵۷۰؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۹، ص ۱۸۸).

ج) در آیه یازدهم سوره حجرات، خداوند مؤمنان را از مسخره کردن همدیگر بر حذر می دارد و در بخش دوم این آیه، زنان را از تمسخر دیگر زنان نهی می کند «وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءِ عَسَى أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ». برخی این بخش از آیه را درباره عایشه و حفصه دانسته اند که ام سلمه را مسخره می کردند (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۹، ص ۸۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۲۰۲؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۶، ص ۳۲۶).

برخی بدون نام بردن از این دو، به این ماجرا اشاره کرده‌اند (ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۱۴۹؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۹، ص ۸۱؛ بغوی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۲۶۱؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۱۳۶). آن را درباره عایشه نیز دانسته‌اند که صفیه (دختر حیی بن اخطب) را یهودی یهودی زاده خطاب کرد (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۲۱-۳۲۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۲۰۴). برخی به جای عایشه از حفصه نام برده (بغدادی، ۴، ص ۱۸۱) یا این موضوع را به هر دو آنها نسبت داده‌اند (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۲۱-۳۲۲). پیامبر ﷺ از صفیه خواست به آنها پاسخ دهد که پدرش هارون ﷺ، عمویش موسی ﷺ و همسرش محمد ﷺ است (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۹، ص ۸۱). با توجه به ادامه آیه، شأن نزول دوم که راجع به صفیه است، به واقع نزدیک‌تر است، زیرا خداوند دستور می‌دهد که پس از ایمان آوردن، آنها را یهودی یا مسیحی نخوانید «بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ» (ر.ک: قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۲۱-۳۲۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۲۰۴-۲۰۵).

۲. ازدواج زینب: آیه ۳۷ سوره احزاب «وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا» درباره چگونگی ازدواج حضرت رسول ﷺ با زینب بنت جحش است (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۲، ص ۱۱؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۹، ص ۳۱۳۵؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۴، ص ۱۸۹). زینب پیش از ازدواج با پیامبر ﷺ، همسر زید بن حارثه، پسر خوانده پیامبر، بود (← مقاله زید بن حارثه). در آیه آمده است که زید برای طلاق دادن همسرش نزد پیامبر ﷺ رفت و حضرت از او خواست زینب را طلاق ندهد. قرآن در این آیه می‌فرماید که پیامبر ﷺ درباره آن زن از مردم بی‌مناک بود و سپس اشاره می‌کند بعد از طلاق زید، خداوند زینب را به همسری پیامبر ﷺ در آورد.

در اینکه پیامبر ﷺ چه چیزی را درباره زینب پیش از ازدواج با وی در دل پنهان می‌داشت، میان مفسران اختلاف نظر وجود دارد؛ یک قول آن است که پیامبر ﷺ به زینب علاقه‌مند بود (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۲، ص ۱۰؛ ابن العربی، بی تا، ج ۳، ص ۱۵۴۱؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۴، ص ۱۸۹) و قول دیگر، که از امام سجاده ﷺ نقل شده، آن است که جبرئیل به پیامبر ﷺ اطلاع داد که زید

همسرش را طلاق خواهد داد و او به همسری پیامبر ﷺ در خواهد آمد (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۸، ص ۴۹؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۴، ص ۱۹۰؛ فاضل مقداد، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۴۷؛ ثعالبی، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۳۴۹؛ ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۳۲۴). به گفته قرطبی، به نظر علما این قول بهترین سخن در تفسیر آیه است (۱۴، ص ۱۹۰-۱۹۱). به باور برخی، بیم پیامبر ﷺ از مردم این بود که اعراب ازدواج با همسر پسر خوانده را به منزله ازدواج با عروس به شمار می‌آوردند. به همین سبب، خداوند فرمود آنچه را خدا حلال شمرده است، به سبب ترس از سخن مردم کنار مگذار (ر.ک: قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۴، ص ۱۹۰-۱۹۱).

پس از آنکه زینب را طلاق داد، خداوند به پیامبر فرمود ما او را به همسری تو درآوردیم «رَوَّجْنَاكُهَا». به همین سبب، بسیاری از مفسران بر آن اند که پیامبر ﷺ او را عقد نکرد و برای او مهریه قرار نداد و این از ویژگی‌های پیامبر ﷺ است که خود خداوند کسی را به عقد او درآورد. همین امر سبب فخر زینب بر دیگر زنان پیامبر ﷺ بود که آنان را پدرانشان به ازدواج پیامبر ﷺ درآورده بودند، ولی زینب را خداوند به ازدواج پیامبر ﷺ درآورد (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۴۰۸، ص ۱۵، ج ۱۵، ص ۴۲۹-۴۳۰؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۴، ص ۱۹۳؛ ابوالسعود، ۷، ص ۱۰۵؛ حقی بروسوی، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۸۰). برخی مفسران مقصود از «رَوَّجْنَاكُهَا» را تنها اجازه و حکم الهی برای ازدواج دانسته‌اند (قاضی عبدالجبار اسدآبادی، بی‌تا، ج ۳، ص ۵۶۵-۵۶۶؛ کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۷، ص ۲۹۵). دلیل این ازدواج که در آخر آیه بدان تصریح شده است، از بین بردن تحریم ازدواج با همسر پسر خوانده بود (← مقاله زیدبن حارثه)، که عرب جاهلی به آن باور داشت (طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۳۴۵).

بنا بر روایاتی که درباره علاقه‌مند شدن پیامبر ﷺ به زینب گزارش شده است، آن حضرت زینب را اولین بار در خانه زیدبن حارثه دید، درحالی که زینب دختر عمه رسول خدا بود و حضرت او را به خوبی می‌شناخت و او را برای زید خواستگاری کرد، ولی زینب به ازدواج با زید، که بنده آزاد شده پیامبر ﷺ بود، تمایلی نداشت و آیه ۳۶ سوره احزاب درباره کراهت زینب در ازدواج با زید نازل گردید و به او امر شد با زید ازدواج کند (ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹، ج ۹، ص ۳۱۳۷؛ طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۳۴۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۶۴؛ ← مقاله زیدبن حارثه).

۳. ماجرای افک: آیه یازدهم سوره نور نیز درباره یکی از همسران پیامبر است. در این آیه، خداوند از تهمت بزرگ به یکی از همسران پیامبر سخن گفته (← مقاله افک) و تهمت زندگان را به شدت ملامت کرده است. محدثان (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۳، ص ۱۵۴؛ ۵، ص ۵۶؛ ر.ک: مسلم نیشابوری، بی تا، ج ۸، ص ۱۱۳-۱۱۵) و مفسران اهل سنت (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۸، ص ۶۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۱۷؛ فخر رازی، ۱۴۱۳، ج ۲۳، ص ۳۳۷) ماجرای افک را راجع به عایشه می دانند. برخی از مفسران شیعه نیز این ماجرا را در کتاب های تفسیری خود آورده اند (طوسی، بی تا، ج ۷، ص ۴۱۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۲۰۶). به باور علامه حلی، در اینکه آیه مزبور درباره عایشه نازل شده است، اختلاف نیست (۱۴۰۱، ص ۱۲۱). به گفته مَغْنِیه، از مفسران معاصر شیعه، اغلب مفسران و راویان درباره این شأن نزول اتفاق نظر دارند، مگر تعداد اندکی از آنها (۱۴۲۴، ج ۵، ص ۴۰۳).

برخی از مفسران شیعه آیات افک را درباره ماریه قبطیه دانسته اند. کهن ترین کتاب شیعی موجود، که این مطلب در آن آمده، تفسیر علی بن ابراهیم قمی است. به گفته وی، عایشه و چند تن دیگر به ماریه قبطیه تهمت زدند که ابراهیم فرزند پیامبر ﷺ نیست (۱۴۰۴، ج ۲، ص ۹۹). پس از قمی، برخی از مفسران شیعه نیز این مطلب را در کتاب های خود نقل کردند (ر.ک: فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۴۲۳؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۵۲؛ حویزی، ۳، ص ۵۸۱؛ ← مقاله افک).

برخی، روایاتی را که آیه افک را راجع به عایشه می دانند، متواتر دانسته اند (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۵، ص ۴۰۳)، اما درباره آن تردیدهای جدی وجود دارد و اشکالات متعددی بیان شده است (امین عاملی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۳۹۳) که پذیرش این روایات را دشوار می کند، از جمله ناسازگاری بخش هایی از آن با واقعیت های مسلم تاریخی، مانند حضور سعد بن معاذ (که یک سال پیش در جنگ بنی قریظه کشته شده بود) و حضور بریره کنیز عایشه (که عایشه او را پس از فتح مکه، در سال هشتم هجرت خریده بود) در این ماجرا، که سال ششم هجرت بود (عاملی، حدیث الافک، ۱۴۰۰، ص ۱۱۲)، منافات بخش هایی از این واقعه با مقام و عصمت پیامبر ﷺ که به همسر خود شک کرده بود (ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۱۰۱-۱۰۳)، و ذکر نشدن آن در صحاح اهل سنت و منابعی همچون المغازی واقدی و سیره ابن هشام. از سوی دیگر در منابع تفسیری گزارش نشده که نزول آیه درباره تهمت به ماریه است، اما روایات شیعه و اهل سنت اصل تهمت عایشه به ماریه را ذکر کرده اند،

اگرچه این روایات نیز اشکالات سندی و متنی دارند (← مقاله افک).

برخی این شأن نزول‌ها را دارای اهمیت نمی‌دانند، بلکه قاطعیت قرآن را در رفع اتهام فرد بی‌گناهی که جایگاه اجتماعی خاصی دارد، مهم می‌دانند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۳۹۳) و ضمن پذیرش اصل ماجرای تهمت به یکی از همسران پیامبر، این آیات را دفاع قرآن از پیامبر ﷺ (سبحانی، ۱۳۸۵، ص ۶۶۰-۶۶۱) در برابر توطئه خطرناک اهل نفاق تفسیر کرده‌اند (← مقاله افک).

### همسران برتر پیامبر

برخی همسران پیامبر از دیگر همسران ایشان مرتبه والاتری داشتند. خدیجه دختر خویلد، مشهور به خدیجه کبری رضی الله عنها ملقب به طاهره، نخستین همسر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود که پیش از بعثت با ایشان ازدواج کرد (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۸۱۷؛ ابن اثیر جزری، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۷۸) و اولین زنی بود که به آن حضرت ایمان آورد و مسلمان شد (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۱۵؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۷۱). خدیجه رضی الله عنها که زنی ثروتمند بود، تمام ثروت خود را در راه نشر اسلام هزینه کرد. خداوند بخشش او را در ردیف نعمت‌ها و مواهب بزرگ خود به پیامبر صلی الله علیه و آله برشمرده است «وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى» (ضحی، ۸؛ سمرقندی، بی‌تا، ج ۳، ص ۵۹۲؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۰، ص ۷۶۷؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۹۹). پیامبر صلی الله علیه و آله نیز همواره از بخشنده‌گی و ایثار او به عظمت و بزرگی یاد می‌کرد (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۸۲۴).

خدیجه رضی الله عنها مادر حضرت فاطمه رضی الله عنها بود (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۱۷۴؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۹۴). پیامبر صلی الله علیه و آله در طول زندگی خدیجه رضی الله عنها، همسر دیگری نگرفت و پس از درگذشت وی همواره از او به نیکی یاد می‌کرد (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۸۱۹). از او با عنوان بهترین و صادق‌ترین وزیر، مشاور و مایه آرامش پیامبر صلی الله علیه و آله یاد شده است (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۱؛ ابن اثیر جزری، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۶). در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به امیر مؤمنان علی رضی الله عنه در تفسیر آیه ۴۲ سوره آل عمران، خدیجه رضی الله عنها یکی از چهار زن برتر دنیا ذکر شده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۳۲۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۳۶).

اسلمه با نام هند، دختر ابوامیة بن مغیره (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۶۹)، یکی دیگر از همسران پیامبر

بود که امام صادق علیه السلام بعد از خدیجه رضی الله عنها او را برترین همسر پیامبر دانسته است (صدوق، ۱۴۰۳، ص ۴۱۹). امسلمه پیش از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله، همسر عبدالله بن عبدالاسد بود و همراه او به حبشه هجرت کرده بود (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۶۲؛ بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۷، ص ۲۸۴). پس از آنکه همسرش در مدینه از دنیا رفت، به ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله درآمد (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۲۹). امسلمه در برخی از غزوات رسول خدا صلی الله علیه و آله را همراهی می کرد (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۴۶۷). وی پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله همواره در کنار اهل بیت علیهم السلام بود و از حضرت فاطمه رضی الله عنها در برابر ابوبکر دفاع کرد، زیرا ابوبکر میراث بردن فاطمه از پیامبر صلی الله علیه و آله را انکار می کرد و مقرر می نمود که امسلمه را در آن سال قطع کرد (طبری امامی، ۱۴۱۳، ص ۱۲۴). امسلمه در دوران خلافت امام علی رضی الله عنه، ضمن رد درخواست طلحه و زبیر برای شرکت در خونخواهی عثمان (مفید، بی تا، ص ۱۲۴)، کوشید با یادآوری سخن پیامبر صلی الله علیه و آله درباره علی رضی الله عنه، عایشه را از رفتن به سوی بصره باز دارد (ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۴۵۴).

## منابع و مأخذ

١. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: علی عطیة، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
٢. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم (تفسیر ابن ابی حاتم)، تحقیق: اسعد محمد طیب، بیروت: مکتبة العصریة، ۱۴۱۹ق.
٣. ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۹ق.
٤. ابن اسحاق، محمد بن اسحاق، السیر والمغازی (سیره ابن اسحاق)، تحقیق: سهیل زکار، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۴۱۰ق.
٥. ابن اعثم کوفی، احمد بن علی، الفتوح، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۱۱ق.
٦. ابن العربی، محمد بن عبدالله، احکام القرآن، تحقیق: علی محمد بجاوی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
٧. ابن بکار، زبیر، المنتخب من کتاب ازواج النبی، تحقیق: سکینه شهابی، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۳ق.
٨. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، تحقیق: عبدالرزاق مهدی، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۲۲ق.
٩. ابن حبیب بغدادی، محمد بن حبیب، المحجر، تحقیق: ایلزة لیختن شتیر، بیروت: دار الآفاق الجديدة.
١٠. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الاصابة فی تمييز الصحابة، تحقیق: عادل احمد، علی محمد، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
١١. \_\_\_\_\_، فتح الباری شرح صحیح البخاری، بیروت: دارالمعرفة، بی تا.
١٢. ابن راهویه، اسحاق بن ابراهیم، مسند اسحاق بن راهویه، تحقیق: عبدالغفور عبدالحق، المدینة المنورة، مکتبة الايمان، ۱۴۱۲ق.
١٣. ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، تحقیق: محمد عبدالقادر، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۰ق.
١٤. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، متشابه القرآن ومختلفه، قم: انتشارات بیدار، ۱۴۱۰ق.
١٥. \_\_\_\_\_، مناقب آل ابی طالب، قم: انتشارات علامه، ۱۳۷۹ق.
١٦. ابن طاووس، سید علی بن موسی، الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، قم: مطبعة الخيام، ۱۳۹۹ق.
١٧. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله قرطبی، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، تحقیق: علی محمد بجاوی، بیروت: دارالجيل، ۱۴۱۲ق.
١٨. ابن عطیة اندلسی، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، تحقیق: عبدالسلام محمد، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۲ق.

١٩. ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم، المعارف، تحقیق: ثروت عکاشة، قاهره، دارالمعارف، بی تا.
٢٠. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البداية والنهاية، بیروت: دارالفکر، ١٤٠٧ق.
٢١. \_\_\_\_\_، تفسیر القرآن العظیم (تفسیر ابن کثیر)، تحقیق: محمد حسین شمس الدین، بیروت: دارالکتب العلمیة، ١٤١٩ق.
٢٢. ابن هشام، عبدالملک حمیری، السیرة النبویة، تحقیق: مصطفی سقا و دیگران، بیروت: دارالمعرفة، بی تا.
٢٣. ابوالسعود، محمد بن محمد عمادی، ارشاد العقل السلیم الی مزیای القرآن الکریم (تفسیر ابی السعود)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
٢٤. ابوالفتح رازی، حسین بن علی، روض الجنان وروح الجنان فی تفسیر القرآن، تحقیق: یاحقی، ناصح، مشهد، آستان قدس رضوی، ١٤٠٨ق.
٢٥. احمد بن حنبل، شیبانی، مسند احمد بن حنبل، بیروت: دار صادر.
٢٦. اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنة فی فضائل الامام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام، تحقیق: محمد باقر محمودی، ١٤٠٢ق.
٢٧. امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعة، تحقیق: سید حسن امین، بیروت: دارالتعارف، ١٤٠٣ق.
٢٨. بحرانی، سید هاشم حسینی، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت، ١٤١٦ق.
٢٩. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، بیروت: دارالفکر، ١٤٠١ق.
٣٠. بغدادی، علی بن محمد، لباب التأویل فی معانی التنزیل (تفسیر الخازن)، تحقیق: محمد علی شاهین، بیروت: دارالکتب العلمیة، ١٤١٥ق.
٣١. بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل (تفسیر بغوی)، تحقیق: عبدالرزاق مهدی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ١٤٢٠ق.
٣٢. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق: سهیل زکار، ریاض زرکلی، بیروت: دارالفکر، ١٤١٧ق.
٣٣. بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التأویل (تفسیر بیضاوی)، تحقیق: محمد عبدالرحمن مرعشلی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ١٤١٨ق.
٣٤. بیهقی، احمد بن حسین، دلائل النبوة و معرفة احوال صاحب الشریعة، تحقیق: عبدالمعطی قلجعی، بیروت: دارالکتب العلمیة، ١٤٠٥ق.
٣٥. \_\_\_\_\_، السنن الکبری، بیروت: دارالفکر، ١٤١٦ق.
٣٦. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، تحقیق: عبدالوهاب عبداللطیف، عبدالرحمن محمد عثمان، بیروت: دارالفکر، ١٤٠٣ق.

۳۷. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن (تفسیر ثعالبی)، تحقیق: عبدالفتاح ابوسنة و دیگران، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۳۸. ثعلبی، احمد بن ابراهیم، الكشف والبیان فی تفسیر القرآن (تفسیر ثعلبی)، تحقیق: ابن عاشور، ساعدی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۳۹. حصاص، احمد بن علی، احکام القرآن، تحقیق: محمد قمحاوی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
۴۰. حاکم حسکانی، عییدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآیات النازلة فی اهل البیت علیهم السلام، تحقیق: محمدباقر محمودی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۴۱. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق: یوسف عبدالرحمن مرعشلی، بیروت: دار المعرفة، بی تا.
۴۲. حسینی جرجانی، سیدامیر ابی الفتح، آیات الاحکام (تفسیر شاهی)، تحقیق: میرزا ولی الله اشراقی، تهران: انتشارات نوید، ۱۴۰۴ق.
۴۳. حقی بروسوی، اسماعیل، تفسیر روح البیان، بیروت: دار الفکر.
۴۴. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۲ق.
۴۵. دمیاطی، عبدالمؤمن بن خلف، نساء رسول الله ﷺ و اولاده و من سالفه من قریش و حلفائهم و غیرهم، تحقیق: فهمی سعد، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۱۷ق.
۴۶. ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، تحقیق: شعیب الأرنؤوط، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳ق.
۴۷. رشیدرضا، محمد، تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۴ق.
۴۸. زحیلی، وهبة بن مصطفى، التفسیر الوسیط، بیروت: دار الفکر المعاصر، ۱۴۲۲ق.
۴۹. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۵۰. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۵ش.
۵۱. شریف الرضی، نهج البلاغه، الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، تحقیق و شرح محمد عبده، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۲ق.
۵۲. سمرقندی، نصر بن محمد، بحر العلوم (تفسیر سمرقندی)، بیروت: دار الفکر، بی تا.
۵۳. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۵۴. شوکانی، محمد بن علی، فتح القدر، بیروت: دار ابن کثیر، ۱۴۱۴ق.

۵۵. صدوق، محمد بن علی، الخصال، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: نشر اسلامی، ۱۴۰۳ق.
۵۶. صنعانی، عبدالرزاق بن همام، تفسیر عبدالرزاق، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۱ق.
۵۷. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۵۸. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، تحقیق: ابوالقاسم گرجی، تهران: انتشارات دانشگاه، ۱۳۷۷ش.
۵۹. \_\_\_\_\_، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۶۰. طبری، احمد بن عبدالله، السمط الثمین فی مناقب امهات المؤمنین، قاهره، مکتبة الکلیات الازهریة، بی تا.
۶۱. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق.
۶۲. طبری امامی، محمد بن جریر، دلائل الامامة، قم: مؤسسة البعثة، ۱۴۱۳ق.
۶۳. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: قصیر عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۶۴. \_\_\_\_\_، تهذیب الاحکام، تحقیق: موسوی خراسان، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۴ش.
۶۵. عاملی، سید جعفر مرتضی، حدیث الافک، بیروت: دارالتعارف، ۱۴۰۰ق.
۶۶. \_\_\_\_\_، الصحیح من سیرة النبی الاعظم ﷺ، قم: انتشارات دارالحديث، ۱۴۲۶ق.
۶۷. علامه حلی، حسن بن یوسف، اجوبة مسائل المهناثیة، قم: چاپخانه خیام، ۱۴۰۱ق.
۶۸. \_\_\_\_\_، تحریر الاحکام الشرعیة، قم: مؤسسة امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۱ق.
۶۹. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله سیوری، کنز العرفان فی فقه القرآن، تحقیق: سید محمد قاضی، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۴۱۹ق.
۷۰. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۳ق.
۷۱. فراء، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، تحقیق: نجاتی و دیگران، مصر، دارالمصریة، بی تا.
۷۲. فیض کاشانی، محسن بن مرتضی، تفسیر الصافی، تهران: انتشارات صدر، ۱۴۱۵ق.
۷۳. قاضی عبدالجبار اسدآبادی، عبدالجبار بن احمد، متشابه القرآن، تحقیق: عدنان محمد زرزور، قاهره، مکتبة دارالتراث، بی تا.
۷۴. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش.
۷۵. قطب راوندی، سعید بن هبة الله، فقه القرآن فی شرح آیات الاحکام، تحقیق: سید احمد حسینی، قم: کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۵ق.
۷۶. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تحقیق: سید طیب موسوی جزائری، قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴ق.
۷۷. کاشانی، فتح الله بن شکر الله، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران: کتاب فروشی علمی، ۱۳۳۶ش.
۷۸. \_\_\_\_\_، زیادة التفاسیر، قم: مؤسسة المعارف الاسلامیة، ۱۴۲۳ق.

۷۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ ش.
۸۰. لویون، گوستاو، تمدن اسلام و عرب، ترجمه: محمد تقی فخر، تهران: مطبوعاتی علی اکبر علمی، ۱۳۳۴ ش.
۸۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تحقیق: محمد باقر بهبودی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۸۲. محقق حلی، جعفر بن حسن، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، تحقیق: عبدالحسین محمد علی بقال، قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ق.
۸۳. مسلم نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۸۴. مغنیه، محمد جواد، التفسیر الکاشف، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۲۴ ق.
۸۵. مفید، محمد بن محمد، الجمل والنصرة لسید العترة فی حرب البصرة، قم: مکتبه الداور، بی تا.
۸۶. مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، تحقیق: عبدالله محمود شحاته، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ ق.
۸۷. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۸۸. میدی، رشید الدین احمد بن ابی سعد، کشف الاسرار و عدة الابرار (تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، تحقیق: علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱ ش.
۸۹. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تحقیق: عباس قوچانی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶ ش.
۹۰. واقفی، محمد بن عمر، المغازی، تحقیق: مارسلن جونز، بیروت: مؤسسة الاعلمی، ۱۴۰۹ ق.
۹۱. هیتمی، احمد بن حجر، الصواعق المحرقة، تحقیق: عبدالرحمن ترکی، کامل محمد خراط، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۷ ق.
۹۲. هیکل، محمد حسین، حیاة محمد ﷺ بی جا، بی تا.
۹۳. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر، بی تا.
۹۴. یوسفی غروی، محمد هادی، موسوعة التاريخ الاسلامی، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۷ ق.
95. Ali, Kecia, "Ummuhat Al-Mu'minin, The Qur'an: An Encyclopedia, Ed, Leaman, Oliver, New York: Routledge, 2006.
96. Leaman, Oliver, "A'isha", The Qur'an: An Encyclopedia, Ed, Leaman, Oliver, New York: Routledge, 2006.
97. Rubin, Uri, "Hafsa", Encyclopaedia of the Qur'ān, Ed, McAuliffe, Jane Dammen, 5 Vols, Leiden: Brill, 2001-2006.

98. Spellberg, Denise A, "Ā'isha Bint Abī Bakr", Encyclopaedia of the Qur'ān, Ed, McAuliffe, Jane Dammen, 5 Vols, Leiden: Brill, 2001-2006.
99. Stowasser, Barbara Freyer, "Wives of the Prophet", Encyclopaedia of the Qur'ān, Ed, McAuliffe, Jane Dammen, 5 Vols, Leiden: Brill, 2001-2006.
100. Id, "Khadīja", Encyclopaedia of the Qur'ān, Ed, McAuliffe, Jane Dammen, 5Vols, Leiden: Brill, 2001-2006.

